فضايل و امتيازات شاعر اهل بيت(عليهم السلام)

سال هفدهم ـ شماره 129ـ شهريور 1387ـ 83ـ 75

محمّدرضا جواهرى\*

چكيده

سرودن شعر هنر كلامى است كه داراى آثار مثبت و سازنده فراوانى است. ائمّه اطهار : پيش گامان شعر حكيمانه بوده اند: در مواردى براى بيان حقايق،گاهى در قالب مواعظ، و گاهى نيز در ستايش مكارم اخلاقى و نكوهش رذايل، شعر مى سرودند. هنر شعر سرودن به برخى از شيعيان نيز عطا شده است. شعر دينى و مذهبى، با بهره گيرى از وحى الهى، گفتار و رفتار پيامبر اسلام و اهل بيت : شعرى پايدار و جاويدان خواهد بود؛ چون از شريعت جاويدان و ابدى اسلام الهام گرفته است. شاعر اهل بيت : با يادآورى فضايل و تعظيم شعائر الهى، عموم مردم را به الگوگيرى از بزرگان دين فرا مى خواند و با هنر ماندگار شعر، محبت اين چهره هاى ماندگار الهى را در دل انسان ها جاى مى دهد. به همين دليل، امامان معصوم : از شاعران اهل بيت : ستايش مى كردند.

كليدواژه ها : شعر، حكمت، اهل بيت :، تعهّد، گريه، صله.

 \* دانش آموخته حوزه علميه مشهد، دكترى فقه و مبانى حقوق اسلامى و عضو هيأت علمى دانشگاه فردوسى مشهد.

مقدّمه

فضيلت ها و امتيازها، عامل برترى است و اين دو بايد در مقايسه و اندازه گيرى آشكار گردد. شعر بيان احساسات درونى در قالب نظم است. شعرى كه در موضوع اهل بيت پيامبر : سروده شود از نظر انگيزه، هدف، دستاوردها، آثار و نقش سازنده اش در سنجش با ساير اشعار، داراى فضيلت ها و امتيازهاى ويژه اى است كه قابل مقايسه با هيچ شعر ديگرى نيست. از اين رو، سراينده شعر براى اهل بيت : نيز شاعر مقدّس فرهيخته اى است كه هنر شعر را در جهت تقرّب به سوى پروردگار به كار گرفته است. منظور از «اهل بيت» حضرت محمّد (ص) و دختر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا (س) و اميرمؤمنان على (ع) و فرزندان آنان امام حسن و امام حسين (ع) و نُه امام از نسل امام حسين (ع) تا حضرت مهدى (ع) است.

منشأ فضيلت و امتياز حقيقى براى شاعر اهل بيت : همان مطالب و نكاتى است كه از گفتار و رفتار پيامبر و امامان : در برترى شاعر اهل بيت رسيده است و درون «سنّت» و قول، فعل و تقرير معصوم(ع) جاى گرفته است. بنابراين، فضايل و امتيازهاى شاعر اهل بيت :، نخستين بار درون كتاب هاى حديثى، تفسيرى، تاريخى و رجالى به نگارش درآمده است. در اينجا برخى حقايق نهفته در كلام معصومان : درباره شعر و شاعر اهل بيت :، تفسير و تحليل شده است.

شاعر اهل بيت : مشمول تأييد الهى

پيامبر خدا حضرت محمّد و امامان معصوم : در گفتار و رفتار خويش، جايگاه عالى شاعر اهل بيت : را ترسيم نموده اند. آشنايى عموم مردم با امتيازات و مقام الهى شاعر اهل بيت : آنان را به تعظيم و قدردانى از شاعران ولايى فرا مى خواند و موجب توسعه و گسترش شعر اهل بيت : مى گردد.

سخن بسيار زيبا و روشنگرى از پيامبر درباره مقام شاعر مؤمن متعهد، توسط امام باقر (ع) نقل شده است. كميت بن زيد اسدى شاعر به محضر امام باقر (ع) رسيد و شعرش در فضيلت اهل بيت : را قرائت كرد. امام باقر (ع) به او فرمودند: به خدا سوگند، اى كميت، اگر ثروت و مالى نزد ما بود از آن به تو مى بخشيديم، اما براى توست آنچه رسول خدا به حسّان بن ثابت فرمودند: تا زمانى كه از ما اهل بيت : در شعرت دفاع مى كنى، روح القدس با توست.1

مطابق اين سخن رسول اللّه (ص)، شاعر اهل بيت : تا زمانى كه به آنان وفادار است و درباره ايشان شعر مى سرايد همواره از جانب روح القدس، جبرئيل امين، تأييد و پشتيبانى مى گردد. پس شاعر اهل بيت : با تأييد جبرئيل شعر مى سرايد. تأييد الهى شاعر به وسيله روح القدس نماياننده درجه عالى شاعر مدافع حريم اهل بيت : و مذهب تشيّع است.

زراره همين تأييد را در حديث ديگرى آورده است. او مى گويد: در محضر امام باقر (ع) بودم كه كميت بن زيد وارد شد و شعرش را قرائت كرد. امام باقر (ع) به او فرمودند: مادام كه درباره ما شعر مى گويى به وسيله روح القدس تأييد مى گردى.2

امام صادق (ع) نيز مى فرمايند: هيچ شاعرى جز با تأييد روح القدس درباره ما شعرى نمى گويد.3

مطابق اين سخنانِ رسول خدا و اهل بيت ايشان :، شعر درباره آنان با تأييد و الهام جبرئيل بر زبان شاعر متعهد جارى مى گردد و شاعر اهل بيت: حامل پيام الهى روح القدس است. پيوند شعر اهل بيت : با روح القدس نقش والاى شاعر شيعى را آشكار مى سازد و اين امتياز بزرگ تنها به احترام اهل بيت : به شاعران ولايت عطا شده است. با توجه به اينكه تأييد از جانب روح القدس امتياز بزرگى است كه هر كس از آن برخوردار نيست و از ويژگى هاى امامان معصوم : است، مى توان به جايگاه عالى شاعر آنان پى برد.4

مقام بهشتى شاعر اهل بيت :

سرودن شعر در رثاى اهل بيت پيامبر : از مستحبات و عبادات بسيار بزرگ و ارزشمندى است كه پاداش آن بهشت است. عبداللّه بن فضل هاشمى از امام صادق (ع) نقل كرده است كه فرمودند: هر كس درباره ما بيت شعرى بگويد خداوند برايش در بهشت خانه اى بنا مى كند.5

حسن بن جهم نيز از امام رضا (ع) نقل كرده است كه فرمودند: هيچ مؤمنى در مدح ما شعرى نمى گويد، جز اينكه خداوند در بهشت برايش بنايى هفت بار گسترده تر از دنيا بنا مى كند و او را در آن بناى بهشتى، هر فرشته مقرّب و هر پيامبر مرسلى زيارت مى كند.6

شعر درباره اهل بيت : و شناساندن و ستايش از آنان به قدرى ارزشمند است كه اجر هر بيت از آن، كاخى بهشتى است كه زيارتگاه فرشتگان الهى و انبيا و رسولان خداست. چنين شعرى آثار عميق و سودمند فراوانى در معرفى اسوه هاى برتر براى بشريت دارد؛ چراكه شاعر اهل بيت : با تبليغ و دفاع از امامت، راه انبيا را ادامه مى دهد و بزرگ ترين شخصيت هاى مقدّس را در قلب انسان ها جاى مى دهد و با شعرش انبيا و امامان را در رسيدن به اهداف مقدّس الهى شان يارى مى نمايد. شعر براى اهل بيت : به دليل همين آثار سازنده اش، عامل پيدايش كاخى مقدّس در بهشت مى گردد؛ كاخى كه ملائك و انبيا شاعر آن را در آن زيارت مى كنند. با آنكه پيامبران و رسولان برترين انسان ها و بزرگ ترين شخصيت هاى مقدّس الهى اند، شاعر اهل بيت : با چنين شعر ولايى به اين درجه مى رسد. به نظر مى رسد در اين بيان امام معصوم (ع) عالى ترين جايگاه براى شعر و شاعر اهل بيت : گزارش شده است.

شعر ولايت؛ كار نيك با پاداش خير

شعرى كه محتواى آن مدح و ثناى اهل بيت : باشد مقدّس و نماد احسان است. از اين رو، اهل بيت : براى شاعران خويش دعا كرده از پروردگار جزاى خير خواسته اند. ابوطالب قمى شعرى در فضيلت امام سجّاد (ع) سرود و آن را براى امام باقر (ع) نوشت و اجازه خواست درباره آن حضرت نيز شعر بسرايد. امام (ع) در جاى خالى بالاى همان كاغذ نوشتند: كار نيكى انجام دادى، خداوند پاداش خيرت دهد!7

ياسر خادم گزارش كرده است : ابونواس حسن بن هانى در مدح امام رضا (ع) شعرى سرود و آن را خواند. امام رضا (ع) به او فرمودند: اى حسن بن هانى، ابياتى را گفتى كه پيش از اين همانند آن را نگفته اى (يا پيش از تو كسى مثل آن نسروده است.) خداوند جزاى خيرت دهد! سپس به همراه خويش فرمودند: چقدر پول داريم؟ عرض كرد: سيصد دينار. امام به او امر كردند: آنها را به ابونواس بده. اسب خويش را هم به او بخشيدند.8

صِله امامان : به شاعران

شعر ولايى ارزش معنوى فراوانى دارد؛ زيرا شاعر اهل بيت : با سلاح برنده شعر و كلام رسا و هنر الهى خويش، امامان را به مردم مى شناساند و با دعوت مردم به اطاعت و پيروى از امامان، راهنماى زندگى برتر و حيات طيّبه و مدينه فاضله الهى مى گردد. از اين رو، امامان معصوم : علاوه بر ستايش زبانى و تشكرقولى از شاعران اهل بيت : و تبيين فضايل و پاداش معنوى و اخروى آنان، همواره با صله و عطاياى خويش آنان را بر وفادارى و پايدارى در راه حق تشويق نموده اند. هداياى بزرگ مادى آنان به شاعران،اهميت وضرورت گسترش شعر اهل بيت : و لزوم افزايش شاعران متعهد را مى نماياند.

هشام بن عبدالملك، پادشاه اموى، به حج آمده بود. در ازدحام مسجدالحرام نتوانست حجرالاسود را استلام كند. در جايگاهى نشست و اهل شام او را طواف مى دادند. در اين حال، امام سجاد (ع) وارد مسجدالحرام و مشغول طواف شدند. او ديد كه مردم كنار مى روند و به امام راه مى دهند تا ايشان به راحتى حجرالاسود را استلام كند. مردى شامى از هشام پرسيد: اميرالمؤمنين، اين مرد كيست؟ هشام براى اينكه اهل شام به امام (ع) رغبت پيدا نكنند، به دروغ گفت: او را نمى شناسم! ابوفراس فرزدق شاعر حاضر بود، گفت: ولى من او را مى شناسم. سپس شعر زيبايى در وصف امام سجاد (ع) سرود و آن را خواند. هشام خشمگين شد. جايزه اى كه به او نداد، به او هم عتاب كرد و گفت: چرا درباره ما چنين شعرى نمى سرايى؟ فرزدق پاسخ داد: تو جدّى همانند جدّ امام سجاد (ع) و پدرى مثل پدر او و مادرى نظير مادر او براى خود بياور تا درباره تو نيز مثل آن را بسرايم! هشام وى را در «عُسفان»، جايى بين مكّه و مدينه زندانى كرد. خبر به امام سجاد (ع) رسيد، دوازده هزار درهم برايش فرستادند و فرمودند: اى ابافراس، عذر ما را بپذير، اگر بيش از اين داشتيم آن را به تو مى داديم. فرزدق پول را برگرداند و عرض كرد: يابن رسول اللّه، آن اشعار را جز براى خدا و رسولش نگفتم و درصدد پاداش مادى براى آن نبودم. امام سجاد (ع) دوباره پول را برايش فرستادند و فرمودند: به حقى كه من بر تو دارم، آن را بپذير. خداوند از جايگاهت آگاه است و نيّت تو رامى داند. فرزدق صله امام را پذيرفت و در زندان هشام در شعر خويش، هشام را هجو مى گفت.9

اشجع سلمى شاعر به عيادت امام صادق (ع) آمد و دو بيت براى امام خواند، امام به خادم خود فرمودند: چقدر پول همراه دارى؟ عرض كرد: چهارصد درهم. امام صادق (ع) تمام چهارصد درهم را به او صله دادند. اشجع شكركنان مى رفت، امام (ع) او را طلبيدند و انگشترى خود به او عطا كردند كه ده هزار درهم قيمت داشت.10

كميت و سيد حميرى، شاعران امام باقر (ع) بودند.11 كميت در مسجدالحرام در حضور امام باقر (ع) شعر سرود و امام يك بيت آن را تغيير دادند و تصحيح كردند. كميت شاعر به امام فرمودند: سرورم، شما شاعرتر از من هستيد.12 امام باقر (ع) پس از شنيدن شعر كميت رو به كعبه كردند و سه بار فرمودند: بار خدايا، بر كميت رحمت نما و او را بيامرز! سپس فرمودند: اى كميت! اين صد هزار درهم است كه از اهل بيتم برايت جمع كرده ام. كميت عرض كرد: نه به خدا سوگند، پول را نمى گيرم تا خداى ـ عزّ و جل ـ پاداشم را بدهد، ولى خواهشمندم يكى از پيراهن هاى خود را به من هديه دهيد. امام هم پيراهنى به وى دادند.13

دعبل خزاعى يكى از بهترين منظومه ها و زيباترين مدايح را به عنوان «قصيده تائيه» در ستايش اهل بيت : سرود. خدمت امام رضا (ع) رسيد و آن را نزد ايشان خواند. چند بيت از آن را كه خواند، امام رضا (ع) برايش دعا كردند و فرمودند: خداوند تو را در روز فزع اكبر (قيامت)، از عذاب در امان بدارد. هنگامى كه دعبل در سروده اش به امام موسى بن جعفر (ع) رسيد و بيت آخر را خواند، امام رضا (ع) فرمودند: آيا در اينجا، دو بيت به قصيده ات بيفزايم تا با آنها قصيده ات كامل گردد؟ عرض كرد: آرى، فرزند پيامبر خدا. سپس دو بيت درباره شهادت و مكان شهادت و مكان دفن خويش سرودند و بدان افزودند. امام رضا (ع) با شنيدن اشعار پرمغز و ارزشمند دعبل و گفت وگوى خويش با وى، صد دينار به او هديه دادند. دعبل عرض كرد: به خدا سوگند، من براى صله گرفتن نيامده ام و اين قصيده را به طمع مال و ثروت نسروده ام. صد دينار را برگرداند و جامه اى از لباس هاى امام را براى تبرّك جستن و شرافت جويى درخواست نمود. امام جبّه اى را كه به تن داشتند به وى بخشيدند و صد دينار را هم به وى بازگرداندند و فرمودند: اين كيسه زر را بگير و برنگردان؛ زيرا به آن نياز پيدا خواهى كرد.14 به روايت ديگر، امام رضا (ع) انگشتر عقيق و پيراهن خزسبزى را كه هزار شب، در هر شب هزار ركعت نماز در آن خوانده و هزارختم قرآن در آن نموده بودند، با آن كيسه زر به او عطا كردند.15

پس از طرح وليعهدى امام رضا (ع) روزى دعبل بن على و ابراهيم بن عبّاس، كه با هم دوست بودند، خدمت امام رضا (ع) رسيدند و هر يك قصيده اى خواندند. امام رضا (ع) بيست هزار درهم به اين دو بخشيدند. دعبل ده هزار درهم خود را به قم آورد و اهل قم هر درهم از آن را به ده درهم خريدند و سهم او صدهزار درهم شد.16

سيدالشهداء، امام حسين (ع) به مرد عربى كه يك بيت شعر براى ايشان خواند، چهارهزار درهم عطا نمودند و با اين همه عطا، از او شرم كردند. فرمودند: اينها را بگير؛ من از تو عذر مى خواهم.17

امام موسى بن جعفر (ع) در روز عيد نوروز به امر منصور در جايگاه او نشستند و مردم به ديدن آن حضرت آمدند و هر كس به قدر وسع خود، هديه اى آورد. در آخر، پيرمرد فقيرى آمد و عرض كرد: من هديه اى ندارم، جز سه بيت شعر كه جدّم در رثاى جدّ شما امام حسين (ع) سروده است. آن سه بيت شعر را خواند. امام كاظم (ع) فرمودند: بنشين، هديه ات را قبول كردم. آن مرد نشست. امام كسى را نزد منصور فرستادند كه بپرسد: هداياى مردم را چه بايد كرد؟ منصور تمام آنها را به خود امام بخشيد. امام هم تمام آنهارابه پيرمردفقيرى كه مرثيه خواند،بخشيدند.18

سيره پيروان اهل بيت :

امام زادگان و اصحاب امامان نيز براى شاعرانى كه در مقام اهل بيت : شعر گفته اند ارزش فراوانى قايل شده اند. صله دادن به شاعران ولايى و عطاياى مردمى به آنان در تاريخ شيعه بسيار بوده است. كميت شاعر نزد عبداللّه بن حسن، فرزند امام دوم، رفت و اشعارش درباره امامان را براى او خواند. عبداللّه گفت: زمينى را با امتياز آب آن به چهارهزار درهم خريده ام و اين سند آن است. سند ملك را به او داد و زمين را به او بخشيد! كميت گفت: پدر و مادرم فداى تو باد! اگر من براى ديگران شعر بگويم براى دنيا و مال مى گويم، ولى به خدا سوگند، در شعر براى شما اهل بيت : به جز خدا نظر ندارم و من در ازاى چيزى كه براى خدا گفته ام مال و ثمن نمى گيرم. عبداللّه اصرار فراوان كرد كه بپذيرد. ناچار كميت قباله آن ملك را گرفت و رفت. پس از چند روز نزد عبداللّه آمد و گفت: پدر و مادرم فداى تو باد، حاجتى دارم. عبداللّه گفت: حاجتت را بگو، هر حاجتى باشد برآورده است! گفت: مى خواهم سند اين ملك خود را پس بگيرى. سند را نزد عبداللّه گذاشت و او نيز پذيرفت. آن گاه عبداللّه بن معاوية بن عبداللّه بن جعفر جامه اى از پوست برداشت و چهار گوشه آن را به دست چهارتن از كودكان خود داد و در خانه هاى بنى هاشم مى گرديد و مى گفت: اى بنى هاشم، كميت در حق شما شعر گفته است هنگامى كه مردم از ذكر فضايل شما سكوت كرده اند. او جان و خون خود را نزد بنى اميّه به خطر انداخته است. پس هر چه مى توانيد به او كمك كنيد و به او صله بدهيد. هر كس هر چه امكان داشت از درهم و دينار در آن جامه ريخت. به زن هاى هاشميات هم اعلان نمود كه آنها هم هر چه مى توانند عطا كنند. زنان نيز هر چه ممكن بود دادند، حتى زيورهاى خويش را از بدن بيرون آوردند و براى كميت دادند. صدهزار درهم براى كميت جمع شد. عبداللّه آنها را نزد كميت آورد و گفت: از تو عذر مى خواهم؛ چون ما در عصر حكومت دشمنان خود هستيم، همين مقدار پول را جمع كرده ايم. همراه اين پول زيور زنان هاشمى نيز هست، آنها را بگير! كميت گفت: پدر و مادرم فداى شما باد! زياد عطا كرديد. من در مدح شما، جز خدا و رسول را هدفى نداشتم، از شما چيزى نمى گيرم اينها را به صاحبانشان برگردان. عبداللّه هرچه سعى و اصرار كرد كه كميت قبول كند، او نپذيرفت.19 صاعد مولاى كميت مى گويد: روزى با كميت نزد فاطمه دختر امام حسين (ع) شرفياب شديم. فاطمه فرمود: اين شاعر ما اهل بيت است؛ قدحى پر از غذا براى كميت آورد و كميت از آن استفاده كرد. سپس امر كرد سى دينار و مركبى به كميت دادند. كميت گريست و گفت : به خدا سوگند، قبول نخواهم كرد، من با شما براى دنيا دوستى نكرده ام.20

مأمون عبّاسى در تظاهربه محبّت به امام رضا (ع)، به ابونواس حسن بن عالى و على بن هامان، كه در مدح امام هشتم شعرسرودندوخواندند، صله داد؛به دستوراو،كيسه اى پر از لؤلؤ آوردندو اودهان اين دوشاعرراپر از لؤلؤ كرد.21

گفتار و رفتار ائمّه اطهار : و امام زادگان و پيروان اهل بيت و شيعيان، در برخورد با شعر امامت و شاعر اهل بيت :نشان دهنده مقام عالى شاعران بااخلاص ولايى و گوياى ضرورت قدردانى و تشويق مادى از آنان است. البته گفتار و رفتار دنياگريزانه شاعران مخلص اهل بيت : و رويكرد الهى و معنوى و اخروى آنان در سرودن شعر براى آنان، بايد راهنماى شاعران شيعى قرار گيرد. عزّت نفس شاعران اهل بيت : و روحيه پاك آنان و عدم پذيرش پول و بازگرداندن آنها و اظهار علاقه مندى به رضاى خدا و پيامبر نيز بايد سرمشق تمام شاعران اهل بيت : باشد.

شعر حسينى و شاعران حماسه سراى انقلاب عاشورا

شعر گفتن در فضيلت هر يك از امامان :، استفاده درست از هنر براى درآوردن مردم از تاريكى ها و هدايت آنان به سوى نور، دست مايه تكامل و اعتلاى معنوى انسان هاست، و چنين چيزى قطعآ باارزش و داراى احترام است. در احاديث معصومان : در ارتباط با شعر اهل بيت :، امتيازات اختصاصى و پاداشى ويژه براى شعر حسينى وجود دارد. دقت و تفكر در اين قبيل احاديث، اهميت و ضرورت شعرگويى درباره امام حسين (ع) را آشكار مى كند و لزوم تبيين رويدادهاى خونين كربلا و فلسفه نهضت حسينى را يادآورى مى نمايد.

شعرگويى و شعرخوانى در رثاى سيدالشهداء (ع)، درس ها و پيام هاى بزرگ و سازنده اى دارد؛ درس عزّت، شجاعت، ايثار، آزادگى، غيرت دينى، شهادت طلبى، اصلاح طلبى، امر به معروف، نهى از منكر، اخلاص، جهاد و هجرت. اين درس ها، مسئوليت شيعه بودن را يادآورى مى كند و بايد با شعر شاعران عاشورا زنده و پايدار بماند و همواره راهنماى بشريت باشد.

گريستن از روى آگاهى و شعور دينى همراه با سرودن و خواندن و شنيدن شعر حسينى، اظهار هماهنگى قلب و عقل انسان با روح و ماهيت حماسه حسينى است. گريه بر مصائب اهل بيت : و به ويژه گريه بر مصائب بى نظير كربلا، نشانه آمادگى روحى پيروان امامان براى ايثار و فداكارى است. گريه روزانه بر سالار شهيدان، روح مبارزه و انقلاب را در حسينيان بيدار مى كند. اشك ريختن با ياد مصائب اهل بيت: عامل رهايى از غفلت و دليل هوشيارى، استوارى و پايدارى رهروان راه كربلا و عاشوراى حسينى است.

از امام صادق (ع) بيش از هر امامى حديث در پاداش گريه به همراه شعرگويى و شعرخوانى بر امام حسين (ع) نقل شده است. در اين احاديث، بالاترين پاداش الهى، كه تضمين ورود به بهشت است، براى شعرسرايى و شعرخوانى درباره مصائب سالار شهيدان و اهل بيت : و ياران فداكارش ذكر شده است.

الف. شعرگويى جعفر طائى در حضور امام صادق (ع)

زيد شحّام مى گويد: امام صادق (ع) به جعفربن عفّان طائى فرمودند: به من خبر رسيده است كه تو درباره امام حسين (ع) شعر مى گويى و خوب شعر مى سرايى. جعفر طائى عرض كرد: آرى. سپس شعرش را خواند و امام صادق (ع) و كسانى كه در اطراف آن حضرت بودند، گريستند، به گونه اى كه اشك هاى امام بر صورت و محاسن ايشان جارى شد. بعد امام به وى فرمودند: اى جعفر، به خدا سوگند! فرشتگان مقرّب خدا در اينجا تو را مشاهده كردند و شعرت را درباره امام حسين (ع) شنيدند و همانند ما و بيش از آن گريستند و خداوند برايت در همين ساعت، بهشت را واجب گرداند و تو را آمرزيد. آن گاه امام (ع) پرسيدند: آيا بيشتر برايت بگويم؟ جعفر گفت: آرى، سرور من. امام صادق (ع) فرمودند: هيچ كس نيست كه درباره امام حسين (ع) شعرى بگويد و با آن بگريد و بگرياند، مگر اينكه خداوند بهشت را برايش واجب مى گرداند و او را مى آمرزد.22

مطابق اين حديث، شعرگويى در مصائب امام حسين (ع) و گريستن و گرياندن وسيله آمرزش گناهان و عامل بهشتى شدن شاعر است. گريستن امام صادق (ع) با شنيدن شعر در مصيبت امام حسين (ع)، اهميت گريستن بر مصائب اباعبداللّه (ع) را آشكار مى سازد. حضور فرشتگان مقرّب الهى در مجلس شعرگويى در رثاى امام حسين (ع) و اشك ريختن و گريستن فرشتگان اهميت و اعتبار شعرگويى شاعران در مصيبت امام حسين (ع) و مجلس شعرخوانى را اثبات مى نمايد.

ب. انشاد شعر مكفوف در مجلس امام صادق (ع)

صالح بن عقبه از ابوهارون مكفوف نقل كرده است كه امام صادق (ع) به من فرمودند: درباره امام حسين (ع) برايم شعر بخوان. من هم شعرى خواندم. فرمودند: همان گونه كه به رقّت شعر مى خوانيد برايم شعر بخوان! پس شعر خواندم. آن گاه امام صادق (ع) فرمود: اى ابوهارون، هر كس درباره امام حسين (ع) شعرى بخواند، پس بگريد و ده تن را بگرياند، براى آنان بهشت نوشته مى شود و هر كس در ارتباط با امام حسين (ع) شعرى بخواند و خود بگريد و پنج تن را بگرياند، براى آنان بهشت نوشته شود و هر كس در رثاى امام حسين (ع) شعرى انشاد نمايد و پس بگريد و يك تن را بگرياند براى هر دو (خواننده و شنونده شعر) بهشت نوشته مى شود و هر كس نزدش امام حسين (ع) ياد شود و از چشمش به قدر بال مگسى اشك بيايد پاداشش بر خداست و خداوند به كمتر از بهشت براى او راضى نمى شود.23

براساس اين حديث، شعرسوزناك حسينى،كه شاعرش آن را با رقّت قلب بخواند، خود بگريد و ديگران را بگرياند، عامل رشد و تكامل معنوى شاعر و شنونده و سرانجام آن بهشت است. گريه شاعرى كه در رثاى امام حسين (ع) شعر بگويد و گريه شنونده اى كه آن را بشنود نمايانگر جهت گيرى فكرى و اهداف رفتارى حسينى در آنان است. شاعر عارف گريان بر مصائب امام حسين (ع) سعى مى كند هرگز گناه نكند و فرهنگ عاشورايى حسينى او را از گناه بازمى دارد و در نهايت، با شعر حسينى به بهشت خواهد رفت.

ج. شعرخوانى ابوعماره در محضر امام صادق (ع)

على بن مغيره مى گويد : ابوعماره منشد گفت: امام صادق (ع) به من فرمود: در رثاى حسين بن على (ع) برايم شعر بخوان. من هم شعرى خواندم. آن حضرت گريست. دوباره شعر خواندم، آن حضرت گريست. پيوسته شعر مى خواندم و آن حضرت مى گريست، تا جايى كه صداى گريه از خانه به گوشم رسيد. آن گاه امام صادق (ع) به من فرمودند: اى ابوعماره، كسى كه در مصيبت امام حسين (ع) شعرى بخواند، پس پنجاه تن را بگرياند بهشت براى اوست، و كسى كه در رثاى امام حسين (ع) شعرى بخواند و چهل تن را بگرياند بهشت براى اوست، و كسى كه در ارتباط با امام حسين (ع) شعرى بخواند و سى تن را بگرياند بهشت براى اوست، و كسى كه در رثاى امام حسين (ع) شعرى بخواند و بيست تن را بگرياند بهشت براى اوست، و كسى كه در رثاى امام حسين (ع) شعرى بخواند و ده تن را بگرياند بهشت براى اوست، و كسى كه درباره امام حسين (ع) شعرى بخواند و يك تن بگريد بهشت براى اوست، و كسى كه براى امام حسين (ع) شعرى بخواند و خود اشك بريزد بهشت براى اوست، و كسى كه درباره امام حسين (ع) شعرى بخواند و خود را به هيأت گريه درآورد، بهشت براى اوست.24

شعر سرودن و شعرخواندن براى امام حسين (ع) و گريستن با آن، امر بسيار مقدّس و ارزشمندى است كه شاعر با آن به سعادت و رستگارى اخروى و بهره بردارى از نعمت هاى الهى در بهشت مى رسد.

نتيجه گيرى

با توجه به سيره معصومان : و احاديث پيامبر و امامان كه در اين نوشتار بررسى گرديد. شاعر اهل بيت : همواره مورد ستايش اهل بيت بوده است. دليل اين ستايش نيز آثار فراوان ماندگار زبان هنر در تقويت باورهاى مذهبى و گسترش ارزش هاى پايدار مكتب اهل بيت : و هدايت و نجات بشريت است. تبيين گفتار و رفتار و فضيلت هاى بى نظير پيامبر خدا، فاطمه زهرا و امامان :، با زبان شعر، در واقع، تلاش مقدّس در زمينه شناساندن برگزيدگان خداى متعال و آموزه هاى انسان ساز آنان به جهانيان و كمك به تحقق اهداف الهى آنان است. دقت در مظاهر سيره، رفتار و گفتار معصومان : درباره شاعر اهل بيت : نشان مى دهد كه شاعر اهل بيت : از جانب روح القدس جبرئيل امين تأييد و كمك مى شود و با الهام از جبرئيل شعر مى سرايد و به كارگيرى طبع شعرى در توصيف اهل بيت : راه رستگارى و ورود به بهشت است. عطاياى بزرگ و صِله هاى فراوان معصومان : به شاعر اهل بيت : ارزش والاى اين هنر مقدّس را آشكار مى نمايد. شعر در مصائب اهل بيت : و امام حسين (ع) و گريستن با شعر و گرياندن مردم با شعر، داراى پاداش شگفت انگيز الهى و امتيازات بى نظيرى است و راز آن نيز در نقش اين اشعار در حفظ اسلام و زنده ماندن انقلاب عاشورا و پاس دارى از ارزش هاى بزرگ آن نهفته است.

منابع

ـ ابن قولويه، جعفربن محمّد، كامل الزيارات، ترجمه محمّدجوادذهنى تهرانى، قم، گنجينه ذهنى، 1381.

ـ صدوق، محمّدبن على، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه على اكبر غفارى، تهران، صدوق، 1400.

ـ ـــــ ، عيون اخبارالرضا(ع)، ترجمه على اكبر غفارى، تهران،دارالكتب الاسلاميه، 1380، ج 1.

ـ طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، تهران، المكتبة العمليةالاسلامية، 1379ق.

ـ طبرى، محمّدبن ابى القاسم، بشارة المصطفى (ع) لشيعةالمرتضى، تحقيق جواد قيومى اصفهانى، قم، مؤسسة النشرالاسلاميه، 1425، ط. الثالثة.

ـ عاملى، محمّدبن حسن حرّ، وسائل الشيعه، بيروت، داراحياءالتراث العربى، 1403، ط. الخامسة، ج 10.

ـ قمى، شيخ عبّاس، منتهى الآمال، تهران، علميه اسلاميه، 1371ق.

ـ كلينى، محمّدبن يعقوب، الكافى (روضه كافى)، بيروت، دارصعبو دارالتعارف للمطبوعات، بى تا، ط. الثالثة، ج 8.

ـ مجلسى، محمّدباقر، بحارالانوار، بيروت، مؤسسة الوفا وداراحياء التراث العربى، 1403، ط. الثالثة.

ـ ـــــ ، تحفة الزائر، استنساخ احمد تفرسى، چاپخانه آقاميرزا حسن،چ سنگى، 1314.

ـ مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم،دارالهجره، 1404، چ دوم، ج 3.

پي‌نوشت‌ها

1 ـ محمّدبن يعقوب كلينى، الكافى (روضه كافى)، بى تا، ج 8، ص102 / على بن حسين مسعودى، مروج الذهب و معادن الجوهر،1404، ج 3، ص 229 / محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه،1403، ج 10، ص 465 / شيخ عبّاس قمى، منتهى الآمال، 1371ق،ج 1، ص 343.

2 ـ شيخ حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 467 و 468.

3 ـ محمّدبن على صدوق، عيون اخبارالرضا 7، 1380، ج 1،ص 10 / محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص467 / محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، 1403، ج 79، ص 291.

4 ـ محمّدبن على صدوق، عيون اخبارالرضا 7، ج 1، ص 440.

5 ـ همان، ج 1، ص 10 / محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 467/ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 79،ص 291 / محمّدبن ابى القاسم الطبرى، بشارة المصطفى (ص) لشيعة المرتضى، 1425، ص 133 و 134.

6 ـ محمّدبن على صدوق، عيون اخبارالرضا(ع)، ج 1، ص 10 /محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 467 /محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 79، ص 291.

7 ـ محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 468.

8 ـ محمّدبن ابى القاسم طبرى، بشارة المصطفى(ص) لشيعةالمرتضى، ص 134.

9 ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 46، ص 124ـ127.

10ـ همان، ج 47، ص 24 / شيخ عبّاس قمى، منتهى الامال، ج 1،ص 342.

11 ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 45، ص 463.

12 و13ـ همان، ج 46، ص 338 / ص 333.

13

14 ـ محمّدبن على صدوق، عيون اخبارالرضا 7، ج 2، ص649ـ655 / فضل بن حسن طبرسى، مجمع البيان، 1379ق، ص 317/ محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 438 /محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 102، ص 39 / محمّدباقرمجلسى، تحفة الزائر، 1314، ص 401.

15 ـ شيخ عبّاس قمى، منتهى الامال، ج 1، ص 342.

16 ـ همان، ج 2، ص 342 و 343.

17 ـ همان، ج 1، ص 343.

18 ـ همان، ج 1، ص 343؛ ج 2، ص 125.

19 و20ـ همان، ج 1، ص 343 و 344.

20

21 ـ محمّدبن ابى القاسم طبرى، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى،ص 133 و 134.

22 ـ محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 464.

23 ـ محمّدبن على صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال،1400، ص 190 / ابن قولويه، كامل الزيارات، 1381، ص 337 /محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 465.

24 ـ محمّدبن على صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص19 و 192 / ابن قولويه، كامل الزيارات، ص 339 و 340 / محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل الشيعه، ج 10، ص 465 و 466.